

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

یزید بن معاویة ؛ خباثت‌ها و دیدگاه‌های فریقین به او

غلامحسین زینلی

یزید بن معاویة را بهتر بشناسیم

یزید فرزند معاویة بن ابوسفیان در سال ۲۶ ق متولد شد^۱. معاویة در زمان حیاتش از مردم برای یزید بیعت گرفت.

معاویة نخستین کسی بود تا آن زمان که در دوران حیات و سلامتش از مردم برای فرزندش بیعت می‌گرفت^۲.

یزید در سال ۶۰ ق با مرگ معاویة به حکومت رسید، و دوران حکومتش حدود چهار سال ادامه یافت^۳.

سیره‌نگاران مسلمان از حسن بصری نقل کرده‌اند که گفته است: در زندگی معاویة گناہانی وجود داشته که یکی از آنها برای نابود کردن همه ساکنان روی زمین کافی است. یکی از گناہان معاویة آن است که فرد فاسدی مانند یزید را بر مردم مسلط کرده است^۴.

نیز حسن بصری گفته است:

۱. ابن عساکر، تاریخ مدینة دمشق ۶۵ / ۳۹۷.

۲. همان ص ۳۹۵.

۳. همان ص ۳۹۷.

۴. سبط ابن جوزی، تذکرة الخواص ص ۲۵۷.

«دو کس زندگی و حکومت مردم را فاسد کردند: یکی عمرو بن عاص، روزی که قرآن‌ها را بر سر نیزه کرد. و دوم، مغیره بن شعبه که پیشنهاد بیعت گرفتن برای یزید را به معاویه داد و معاویه به دنبال این پیشنهاد، از مردم برای یزید بیعت گرفت و او را جانشین خود ساخت...»^۱.

یزید در دوران کوتاه حکومتش جنایات مهمی مرتکب شد. از جمله:

۱. واقعه کربلا

در سال ۶۱ ق واقعه کربلا را رقم زد و حضرت امام حسین علیه السلام ریحانه رسول خدا صلی الله علیه وآله و آقا و سرور جوانان اهل بهشت^۲ را با همه فرزندان و یاران آن حضرت به شهادت رساند، سپاه یزید بر بدن امام حسین علیه السلام و فرزندان و یارانش اسب تاختند^۳. به خیمه‌های امام حسین علیه السلام حمله کرده و آنچه در آن بود را غارت کردند و خیمه‌ها را آتش زدند^۴. سپاهیان یزید امام سجّاد علیه السلام را به همراه حضرت زینب علیها السلام و سایر زنان و فرزندان امام حسین علیه السلام اسیر کرده و سرهای شهیدان را به نیزه زدند و همراه اسیران به کوفه نزد ابن زیاد، و از آنجا به شام نزد یزید بردند^۵. هنگام ورود اسیران به شام، به دستور یزید شهر را آذین بستند^۶ یزید قصر خود را نیز تزئین کرد و بزرگان شام را به حضور طلبید^۷.

۱. سیوطی، تاریخ الخلفاء ص ۲۲۴.

۲. مزی، تهذیب الکمال ۶ / ۴۰۱.

۳. مفید، ارشاد ۲ / ۱۱۳، طبری، تاریخ طبری ۵ / ۴۵۵.

۴. سید بن طاووس، لهوف ص ۱۳۲.

۵. مسعودی، مروج الذهب ۳ / ۲۵۹؛ طبری، تاریخ طبری ۵ / ۴۵۶.

۶. صدوق، امالی ص ۲۳.

۷. سید بن طاووس، لهوف ص ۲۱۳.

یزید در حضور اسیران، سر امام حسین علیه السلام را در ظرف طلا گذاشت و با چوبدستی بر سر مبارک آن حضرت می زد^۱، و این شعر را می خواند:

ای کاش بزرگان قبیله من که در جنگ بدر کشته شدند، بودند، و شادمانی می کردند و می گفتند: ای یزید دست تو درد نکند. بنی هاشم با حکومت بازی کردند و گرنه، خبری نیامده و وحیی نازل نشده است^۲.

۲. واقعه حرّه

شهادت امام حسین علیه السلام و بی مبالاتی و عدم اعتقاد یزید نسبت به موازین شرعی، موجب شد تا مردم مدینه در سال ۶۳ ق به رهبری عبدالله بن حنظله بر ضد حکومت یزید قیام کنند^۳. یزید سپاهی به مدینه فرستاد^۴، و به مردم مدینه سه روز مهلت داد تسلیم شوند^۵، اما مردم مدینه تسلیم نشدند. یزید سه روز جان و مال و ناموس آنان را بر سپاهیان خود حلال کرد^۶. در این واقعه سپاهیان یزید مرتکب جنایات بزرگی شدند. صدها نفر از صحابه پیامبر صلی الله علیه وآله و تابعین و حافظان قرآن کشته شدند^۷.

۱. یعقوبی، تاریخ یعقوبی ۲ / ۶۴.

۲. مقرر، مقتل الحسین علیه السلام ص ۳۵۸.

۳. طبری، تاریخ طبری ۷ / ۳۰ - ۳۱.

۴. بلاذری، انساب الأشراف ۵ / ۳۲۳.

۵. ابن قتیبه، الإمامة والسیاسة ۱ / ۱۸۴؛ ابن جوزی، المنتظم ۶ / ۱۵.

۶. همان.

۷. سیوطی، تاریخ الخلفاء ۲۲۸؛ ذهبی، وفيات المشاهیر ص ۱۳۰.

برخی، تعداد کشتگان این واقعه را هزاران نفر دانسته‌اند.^۱ اموال آنان غارت گردید، به ناموس آنان تجاوز شد^۲، و طبق برخی از گزارش‌ها پس از این واقعه هزار نفر دختر باکره فرزند زاییدند.^۳

این حادثه در تاریخ به واقعه حرّه مشهور شده است.

۳. حمله به مکه و آتش زدن کعبه

همزمان با قیام مردم مدینه، مردم مکه با عبدالله بن زبیر بیعت کردند و او بر شهر مکه تسلط یافت.^۴ پس از واقعه حرّه، سپاه شام به دستور یزید برای جنگ با ابن زبیر رهسپار مکه شد.^۵ در روزهای محاصره مکه خانه خدا مورد اصابت سنگ‌ها و گلوله‌های آتشی که توسط سپاه شام به سوی کعبه پرتاب می‌شد قرا رگرفت و آسیب دید.^۶

این محاصره با رسیدن خبر مرگ یزید پایان یافت.

یزید از منظر شیعیان

۱. سبط ابن جوزی، تذکرة الخواص ص ۲۵۹.
۲. ابن قتیبہ، الإمامة والسیاسة ۱/ ۱۸۴؛ ابن جوزی، المنتظم ۶/ ۱۵.
۳. سبط ابن جوزی، تذکرة الخواص ص ۲۵۹ - ۲۶۰؛ سیوطی، تاریخ الخلفاء ص ۲۲۸.
۴. دینوری، اخبار الطوال ص ۲۶، ۲۶۸.
۵. طبری، تاریخ طبری ۷/ ۳۱۱۹ - ۳۱۲۰؛ تاریخ یعقوبی ۲/ ۱۹۱.
۶. طبری، تاریخ طبری ۷/ ۳۱۱۹ - ۳۱۲۰؛ تاریخ یعقوبی ۲/ ۱۹۱؛ سبط ابن جوزی، تذکرة الخواص ص ۲۶۰؛ سیوطی، تاریخ الخلفاء ص ۲۲۸ - ۲۲۹.

شیعیان یزید را به خاطر ارتکاب واقعه کربلا و شهادت امام حسین علیه السلام، فرزندان و یاران آن حضرت، شخصیتی منفور و مستحق لعن می دانند، و روایاتی از پیامبر صلی الله علیه وآله و امامان عترت علیهم السلام در استحقاق لعن یزید در منابع روایی شیعه وجود دارد^۱.

برخی از عالمان شیعه خواندن شعر:

لیت أشیاخی بیدر شهدوا جزع الخزرج من وقع الأسل...

توسط یزید را نشانه کفر و شرک او دانسته اند^۲.

یزید از منظر اهل سنت

ابن حجر مکی می نویسد: اهل سنت در مورد یزید به دو دسته تقسیم می شوند. دسته اول کسانی هستند که او را کافر می دانند، اینان به سخن سبط ابن جوزی و جمع دیگری از دانشمندان استناد کرده اند که گفته اند:

قول مشهور آن است که چون سر امام حسین علیه السلام را نزد یزید آوردند او اهل شام را جمع کرد و با چوب خیزران بر سر و دندان های امام حسین علیه السلام می زد و اشعار «ابن الزبیری» (از مشرکان قریش که بعد از شکست مسلمانان در جنگ احد سروده) را می خوانده است. و بر ابیات ابن الزبیری دو بیت اضافه کرده که صراحت در کفر او دارد^۳.

ابن حجر مکی از ابن جوزی نقل می کند که گفته است:

۱. ر.ک: زیارت عاشورا.

۲. مجلسی، بحار ۳۳ / ۲۱۲.

۳. ابن حجر مکی، الصواعق المحرقة ص ۲۲۰.

یزید با چوب بر دندان‌های امام حسین علیه السلام زده و اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله را اسیر و بر پشت شتران سوار کرده و چرخانده است، و رفتاری با اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله داشته که مسلمانان چنین رفتاری را با خوارج و اهل بغی جایز نمی‌دانند. اگر کینه‌های جاهلی و جنگ بدر در دل او نبود با اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله این گونه رفتار نمی‌کرد.^۱

ابن حجر می‌نویسد: دسته دیگری از اهل سنت گفته‌اند: یزید کافر نیست، اینان می‌گویند: چیزی که موجب کفر یزید شود برای ما ثابت نشده است و اصل آن است که بر اسلامش باقی باشد تا آنکه ثابت شود که وی مرتکب کاری شده که او را از اسلام خارج کرده است، و آنچه که پیش‌تر از قول مشهور نقل شد که (یزید هنگامی که سر امام حسین علیه السلام را نزد او آوردند اشعار ابن الزبیری را می‌خواند که صراحت در کفر او دارد)، تعارض دارد با آنچه نقل شده که چون سر امام حسین علیه السلام را نزد یزید آوردند سر امام را احترام کرد و گناه این قتل را به ابن زیاد نسبت داد.

ابن حجر که خود همین قول را انتخاب کرده می‌نویسد: اصل آن است که یزید بر اسلامش باقی بوده است، و گروهی از محققین گفته‌اند: بهتر آن است که در مورد کفر یزید توقف کرده و کار او را به خداوند سبحان واگذار کنیم.

ابن حجر می‌افزاید: اما بنابر اینکه یزید مسلمان باشد او فردی فاسق، شرور، شراب‌خوار، و ستمکار بوده است.^۲

۱. ابن حجر، الصواعق المحرقة ص ۲۲۰؛ سبط ابن جوزی، تذكرة الخواص ص ۲۶۰.

۲. ابن حجر، الصواعق المحرقة ص ۲۲۱.

ابن عماد حنبلی می نویسد: «... وعلى الجملة فما نقل عن قتلة الحسين يدل على الزندقة وانحلال الإيمان من قلوبهم وتهاونهم بمنصب النبوة...»^۱. آنچه به طور اجمال می توان گفت آن است که آنچه از قاتلان امام حسین علیه السلام نقل شده نشان دهنده کفر آنان است، و نشان می دهد که ایمان از قلب های آنان رخت بر بسته، و آنان افرادی بی اعتنا به جایگاه نبوت بوده اند.

ابن عماد می افزاید: «وقال الحافظ ابن عساكر نسب إلى يزيد قصيدة منها:

ليت أشياخي بيدر شهدوا جزع الخزرج من وقع الأسل

لعبت هاشم بالملك بلا ملك جاء ولا وحي نزل

فإن صحت عنه فهو كافر بلا ريب»^۲.

ابن عساكر گفته است این اشعار به یزید نسبت داده شده و اگر انتساب این اشعار به او درست باشد در کفر او هیچ تردیدی وجود ندارد.

ابن جوزی می گوید: انتساب این اشعار به یزید صحیح است^۳.

محدثان و دیگر دانشمندان شیعه امامیه نیز معتقدند یزید اشعار فوق را خوانده است^۴.

ابن عماد می نویسد: ذهبی درباره یزید گفته است: «كان ناصبياً فظاً غليظاً يتناول المسكر

ويفعل المنكر افتتح دولته بقتل الحسين وختمها بوقعة الحرّة...»^۵.

۱. شذرات الذهب في اخبار من ذهب ۱/ ۶۸.

۲. همان ۱/ ۶۹.

۳. سبط ابن جوزی، تذكرة الخواص ص ۲۶۰.

۴. ابن شهر آشوب، مناقب آل أبي طالب ۴/ ۱۱۴؛ طبرسی، احتجاج ۲/ ۳۰۷؛ ابن طاوس، اللهوف ص ۱۸۱؛ مظفر، دلائل الصدق ۱/ ۱۱۱.

۵. شذرات الذهب ۱/ ۶۹.

یزید یک ناصبی متعصب بود که شراب می خورد و کارهای زشت انجام می داد. دولتش با کشتن حسین علیه السلام آغاز شد، و با واقعه حرّه پایان یافت.

ابن عماد می نویسد: شخصی در حضور عمر بن عبدالعزیز با عنوان امیر المؤمنین از یزید یاد کرد، عمر بن عبدالعزیز دستور داد به جرم استعمال واژه «امیر المؤمنین» درباره یزید ۲۰ ضربه شلاق به او بزنند^۱.

ابن عماد از یافعی نقل می کند که گفته: «وَأَمَّا حَكْمٌ مِّن قَتْلِ الْحُسَيْنِ أَوْ أَمْرٍ بِقَتْلِهِ مِمَّنْ اسْتَحَلَّ ذَلِكَ فَهُوَ كَافِرٌ»^۲. همه کسانی که حسین را به قتل رسانده اند، یا دستور قتل او را صادر کرده، و چنین اقدامی را جایز می دانسته اند کافرند.

شعر سنایی غزنوی

در پایان شایسته است شعر حکیم سنایی غزنوی را درباره یزید و دیگر امویان به عنوان حسن ختام ذکر کنیم. وی گفته است:

| | |
|-----------------------------------|---|
| داستان پسر هند مگر نشیدی | که از او و سه کس او به پیمبر چه رسید |
| او به ناحق حق داماد پیمبر بستد | پسر او سر فرزند پیمبر ببرد |
| پدر او لب و دندان پیمبر بشکست | مادر او جگر عم پیمبر بمکید |
| بر چنین قوم تو لعنت نکنی شرمت باد | لعن الله یزیداً وعلی آل یزید ^۳ |

جمع بندی و نتیجه

۱. همان؛ سیوطی، تاریخ الخلفاء ص ۲۲۸.

۲. همان.

۳. سنایی، دیوان اشعار، قصاید و قطعات شماره ۸۵.

چنان‌که پیش‌تر گذشت، دسته‌ای از دانشمندان اهل سنت یزید بن معاویه را کافر می‌دانند، آنان دلیلی که برای اثبات کفر یزید ذکر کرده‌اند آن است که وقتی سر مبارک امام حسین علیه السلام را نزد او برده‌اند با چوب بر سر مبارک آن حضرت زده و این شعر را می‌خوانده است:

لعبت هاشم بالملك بلا ملك جاء ولا وحي نزل

یعنی پیامبر صلی الله علیه وآله با حکومت بازی کرد، بدون آنکه فرشته‌ای آمده باشد و یا وحیی نازل شده باشد.

چنان‌که می‌بینید این شعر انکار صریح نبوت پیامبر اسلام است؛ و منکر نبوت کافر است، پس یزید به دلیل انکار نبوت پیامبر اسلام کافر است.

به نظر می‌رسد برای اثبات کفر یزید دلایل دیگری نیز وجود دارد که از چشم دانشمندان اهل سنت مخفی مانده است. از جمله:

از ابوهریره نقل شده که وی گفته است: «نظر النبي صلی الله علیه وآله إلى علي وفاطمة والحسن والحسين وقال: أنا حرب لمن حاربكم وسلم لمن سالمكم»^۱.

چنان‌که می‌بینید رسول خدا صلی الله علیه وآله در این حدیث صحیح، جنگ با علی علیه السلام، فاطمه علیها السلام، حسن علیه السلام و حسین علیه السلام را جنگ با خود، و صلح و آشتی با آنان را صلح با خود دانسته‌اند. و جنگ با پیامبر از دیدگاه همه مسلمانان موجب کفر است.

۱. احمد بن حنبل، مسند ۲ / ۴۴۲؛ طبرانی، معجم کبیر ۳ / ۴۰.